

# خدمت رسانی بر وستاها

## در بر نامه ششم

مقدمه : آماریکه در نتیجه شکاری اخیر از طرف مرکز آمار ایران منتشر شده گویای آنستکه با تمام اقدامات چند سال اخیر که بمنظور اجراء سیاست عدم تمرکز بعمل آمده معذک هنوز از سرعت مهاجرت روستائیان و ساکنین شهرهای کوچک به تهران و شهرهای بزرگ چیزی کاسته نشده، بمقیکه تهران و شهرهای بزرگ رو به افشار میروند و بالعکس شهرهای کوچک و بخصوص روستاها تخلیه میگرددند و این علاوه بر ریشه بسیاری از مشکلات مملکتی رسته تمام مشکلاتی نیز هست که فعلاً تهران با آن مواجه میباشد. هیچ مشکلی در تهران وجود ندارد که ریشه آن باسن مسأله منتهی نشود. خواه برامیک - خواه کمبود مسکن - خواه اختلاف مالک و مسأله جر - خواه گرانی روز افزون و سرسام آور زمین - خواه آلودگی هوا و بطور کلی هر مسأله و مشکل دیگر تهران و بضرر فاطح مسنوا ن گفت اگر این مشکل تهران بر طرف گردد، مشکلات دیگر تهران خود بخود بر طرف خواهند شد و چون درس تازه بانداره کافی در چند سان اخیر بحث شد نیازی نمی بینم که چیزی بر آنچه گفته شده است بفرام .

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 یک هدف عالی

آنچه ساکنون درباره عدم تمرکز گفته شده بیشتر از دید انقلاب اداری و جلوگیری از تمرکز بدون دلیل کارها در تهران بوده است در صورتیکه یک هدف عالیتر و اساسی تر در آن نهفته است که انقلاب اداری وسیله رسیدن بآن هدف میباشد و آن عدالت اجتماعی است که همواره مورد عنایت ساهنسا ه آر با مبر میباشد .

اگر چه تمرکز گروهی از مردم در شهرهای بزرگ و مراکز صنسی مسأله است جنهایی که مشکلات آن گریبانگرا کتر کشور خواهد است معذک ما از دید کلی بمنظور رفع سکلان خودمان موضوع را بررسی میکنم و مسأله را نمونه حرورار برار میدهم .

در حال حاضر که دو مسأله کاملاً متضاد روبروی ما فرار گرفته و ما برای اینکه هر چه بیشتر با توجه بمقتضیات جهان کنونی به هدف مطلوب نزدیکتر شویم باید بین ایندو تا جاییکه ممکنست تلفیق دهیم :

مسأله نخست : ده و شهرنخستین واحد جغرافیائی میباشد که حقیقتاً وجود دارند . سایر واحدهای جغرافیائی از قبیل بخش - شهرستان و استان واحدهای فرضی هستند و قراردادیکه مبنای کار تقسیمات کشوریست بمنظور تسهیل در اعمال نظارت آنها را بطور فرضی ایجاد کرده و هر وقت مبنای کار تقسیمات کشوری تغییر کند آنها معدوم میشوند و یا تغییر میکنند . شهر نیز روستائی بیش نیست که بعلت مرکزیت به تناسب اینکه مرکز شهرستان باشد یا مرکز استان یا مرکز کشورگاهی نداشته و غیر منطقی و گاهیم با دلایل موجه گسترش یافته بهیمین قیاس است مرکز بخش ، لذا اصطلاحاً " روستاهائیکه مرکز شهرستان و بالاتر هستند شهر نامیده میشوند . باین ترتیب بین شهر و ده تفاوتی وجود ندارد جز آنکه شهر ده توسعه یافته است ."

بنابراین عدالت اجتماعی حکم میکند خدمات دولتی که متعلق بعموم مردمست در تمام روستاها اعم از روستاهای کوچک یا روستاهای بزرگ که اصطلاحاً " شهر گفته شده یکنواخت عرصه شود و تمام افراد مملکت هر جا سکنی دارند از خدمات دولتی بمتساوی برخوردار باشند . متأسفانه عوامل محدود کننده ای برای رسیدن باین هدف مقدس انسانی وجود دارد که مربوط بمسأله دومست .

مسأله دوم : گرچه تشکیل حکومتها و سازمان دهی کشور از دیرباز باعث شده است که روستاهائیکه مرکزیت یافته اند و بعداً " بانها شهر گفته شده توسعه یابند ولی این توسعه با تأنی صورت گرفت به سببیکه انسان نتوانست خود را با آن همگام نماید ولی انقلاب صنعتی که از قرن هجدهم آغاز شد و در پی آن توسعه غیرقابل پیش بینی تکنولوژی باعث کرد هم آئی مردم در مراکز صنعتی شد و روال ساده سابق را بهم زد . نتیجه آن تشکیل حکومتهای بزرگ ، اتحادیهها و سندیکاها ، کارتلها و تراستها ، مسلکهای گوناگون سیاسی و بسیاری مسائل نو بود که ضوابط ساده پیشین دیگر نمیتوانست حاکم بر روابط افراد با یکدیگر باشد و با آنکه برای حل مشکلات پیچیده سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و اداری که زاینده انقلاب صنعتی بودند رشتههای علمی بهمان نامها بوجود آمده ، معذک هنوز جوامعی که صنعت آنها را در یکجا گرد آورده به چیزی جز منافع خود نمی نگرند و در نهایت بهره جویی و سفاقت با عدالت اجتماعی دست و پنجه نرم میکند ، به سببیکه مصلحین اجتماع نتوانستند عدالت را از جنگال فهارودرنده آنان برهانند . فلاسفه عصر ما نیز برای اینکه خود را با انسانها طرف نکنند راه معاشات را پیش گرفته و این گناه سنگ را بگردن بیجان تکنولوژی و اقتصاد میاندازند .

درست است که بگولوری باعث تشکیل اس اجتماعات شده و آنرا به بسیاری ازین بعدالنیها و ادار و مجبور کرده است ولی در هر صورت این انسانست که تکنولوژی را بوجود آورده و باز اوس که با استفاده از دو منبع قدرت یکی تجمع افراد در محل معین و دیگری استفاده از فرآورده های صنعتی خوی در زندگی خود را آسکار مبارز و حقوق ضعیفان را پایمال میکند لذا شعر معروف سح اجل درس زمان بین از هر موقع دیگر مصداق دارد :

اگر اس درنده حوثی ر طبیعتت ببرد همه عمر زنده باشی بروان آدمیست  
ساخته آریامیر برای حل اس مشکل جهانی راه حلی پیشنهاد میفرماید که حاکی از بلندی  
روح و کمال معظمله میباشد :

( باید از ترکیب تمدن مادی با اصول و صانی جاودانی معنویت ، آن مدنیت و فرهنگی بوجود  
آید که جامعه بسری را بسوی کمال رهبری کند ) . بهتر است در گذرش ساله در مبانی  
اخلاقی و عدالت اجتماعی جلوگیری کنیم و در محدوده کار خودمان از آن نتیجه گیری نمانیم :

نتیجه و راه حل در برنامه ششم :

صنعت و عوارض مانی از آن و همچنین تجمع مردم در نقاط معین باعث شده است که  
بعضی از شهرها گسترش غیر طبیعی و زیاد از حد پیدا کنند و با استفاده از قدرت جمعیت  
خود خدمات دولتی را ببلعند ، بالعکس روستاها بعلت کوچک ماندن و رشد نکردن گنجایش  
و یا پتانسیل پذیرش بعضی از خدمات را نداشته و از بسیاری از وسائل رفاهی محروم بمانند  
و این همان مسأله دوم مورد بحث ما است که نقیض مسأله اول و عامل محدود کننده برقراری  
عدالت اجتماعیت

برای حل این مشکل باید در برنامه ششم عمرانی عرضه خدمات دولتی را معکوس  
تحرکز سیاسی فرار دهم یعنی خدمات و فعالیتهای دولت بخصوص آندسته که  
اشتغال فراهم میکند در درجه اول بتناسب گنجایش با پتانسیل بروستاها عرضه شود و  
در صورت نداشتن گنجایش یا محظورات دیگر بتدریج در مرکز بخش سپس در شهر و بالاخره  
در مرکز استان و فقط در موارد اجتناب ناپذیر در پایتخت پیاده گردد و بالعکس برای جلو  
گیری از گسترش بیروید پایتخت و مراکز استانها حتی الامکان اقداماتیکه اشتغال فراهم میکند  
نهاد بعمل آید و فقط با جمع و جور کردن پایتخت و مراکز استانها بزبانی و ظراوات آن  
کمک گردد .

برای اینکه گنجایش روستاها برای جذب خدمات بالا رود باید از طریق اقداماتیکه شروع  
شده از قبیل ادغام دهات ، تشکیل دهات اقماری ، شرکتهای زراعی و تعاونی و هر اقدام  
مقول و موجه دیگر بوسعت و نفوس روستاها افزود و از تعداد آنها کاست . باین ترتیب از

سکو واحدهای کرچک جغرافیائی یعنی روساها گسرس می نمایند و از سوی دیگر واحدهائی بزرگ یعنی پانچب و مراکز استانها جمع و حور میبوند و هر دو دسه بوسعت و جمعیت واحد بماکین آنها یعنی شهرهای مرکز شهرستان نزدیک میشوند و در حقیقت شهر مرکز شهرستان معیار و مانورم قرار میگردد . در جنس موقعیت است که ستوانیم خدمات دولتی را بفرمایند بکنواحت بعموم افراد مملکت عرضه کنیم . بدیننی است مشکلاتکه تکنولوژی و مسائل راسته دار آن و همچنین شرایط طبیعی و مسائل اقتصادی پس بایما قرار داده هیچگاه مسکدارد برای بل ناس هدف عالی بندر مطلق برسیم ، اما هر قدر بینتر ناس هدف نزدیکتریم مشکلات خود را بشترار پس ببردانسته و از نظر معنوی نیز در برتراری عدالت احتمالی بوضق سنری نافتانم . برای تحقق اس هدف راه حلنهای اجرایی بساری وجود دارد که بحت درباره آنها بوقت دیگری بگوول مینمائیم .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی